

«تاریخ سیاسی جدید» به مثابه روش

عبدالرحمن حسنی فر*

چکیده

«تاریخ سیاسی جدید»، رویکردی مفهومی و روش‌شناختی به حوزه تاریخ است که با شکل‌گیری دانش تاریخ در عرصه تاریخ‌نگاری جدید شکل گرفت و در نیمه دوم قرن بیستم، به یک جریان تقریباً عمومی تبدیل شد. یکی از گفتمان‌های رایج در تاریخ سیاسی تفاوت بین تاریخ سیاسی «جدید» و سنتی است. بحث‌های موضوعی/مفهومی، مطالعاتی و روش‌شناختی در این رابطه قابل طرح است و می‌تواند به تعریف و تعمیق مطالعات و بررسی‌های «تاریخ سیاسی جدید» و در نتیجه، حرکت مناسب در مسیر این‌گرایش کمک کند. بررسی داده‌ها موبد آن است، با وجود سابقه گسترده در نگارش متون تاریخ سیاسی، چارچوب‌دهی مفهومی و روش‌شناختی در تاریخ سیاسی به معنای عام آن صورت نگرفته و این بی‌توجهی به «تاریخ سیاسی جدید» نیز سرایت کرده است. پژوهش حاضر در پی گشایش مدخلی در حوزه تاریخ سیاسی جدید و پیدایی افق‌های آن است. مبنای این پژوهش بررسی منابع پرداخته‌شده به موضوع «تاریخ سیاسی جدید» است؛ چرا که در «تاریخ سیاسی جدید»، افق‌های تازه‌ای در حوزه تاریخ سیاسی مثل بازنگری در معنا و قلمرو امر سیاسی، مباحث و موضوعات فرهنگی و زبانی و تأثیرات آن در تاریخ سیاسی و شکل‌گیری موضوعاتی چون مشارکت سیاسی گسترده اجتماعی، هویت‌های عمومی و ملی اجتماعی، فلسفه تاریخ جدید و تأثیر آن بر حوزه سیاست و غیره قابل بررسی است.

کلیدواژه‌ها: "تاریخ"، "تاریخ سیاسی"، "تاریخ سیاسی جدید"، "روش‌شناسی تاریخ سیاسی"، "مفاهیم تاریخ سیاسی جدید".

۱. مقدمه

تاریخ سیاسی جدید حتماً در کنار یا در مقابلش تاریخ سیاسی سنتی یا قدیمی قرار دارد که باعث شده این تقسیم‌بندی «تاریخ سیاسی سنتی» و «تاریخ سیاسی جدید» بوجود بیاید.

* استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، hassanifar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

به نظر می آید شکل گیری مفهوم «تاریخ سیاسی جدید»، دال بر تفاوت و تمایزهایی با «تاریخ سیاسی سنتی» دارد؛ اینکه چه تفاوتی با هم دارند بخاطر سابقه گسترده منابعی است که در قالب و رویکرد تاریخ سیاسی سنتی تعریف می شوند و همچنین اهمیت روز افزون «تاریخ سیاسی جدید» است.

مسئله این تحقیق این است که به طور کلی در عین وجود سابقه گسترده نگارش متون در حوزه تاریخ سیاسی، اما چارچوب دهی مفهومی، موضوعی و روش شناختی نه تنها در «تاریخ سیاسی» به معنای عام آن صورت نگرفته که در «تاریخ سیاسی جدید» هم این موضوع مورد غفلت قرار گرفته است.

فرضیه مقاله به طور کلی این است که بخاطر اضافه شدن کلمه «جدید» به تاریخ سیاسی، ابعاد موضوعی و مطالعاتی و حتی روش شناختی تازه ای به حوزه تاریخ سیاسی اضافه شده است؛ و البته این غیر از تلاش های علمی است که امثال لئو پلد فون رانکه آلمانی در روشمند و به طور کلی علمی کردن دانش تاریخ، انجام داده و به نوعی مبدع تاریخ سیاسی جدید قلمداد شده است.

در «تاریخ سیاسی جدید» در مقایسه با «تاریخ سیاسی سنتی» بخاطر مباحثی چون مشروطه شدن حکومت ها، اهمیت یافتن مشارکت مردم در حوزه سیاست و شکل گیری نظام های انتخاباتی و تحقق پارلمان و شکل گیری احزاب و طبقات متفاوت اقتصادی و سیاسی از درون مردم و مطبوعات و عرصه های مشارکت سیاسی و اجتماعی و غیره، معنا و تبلور بدست گیری قدرت سیاسی و به طور کلی بحث تغییر و تحول متفاوت از گذشته شده است. یعنی به عبارت دیگر گستردگی قلمرو قدرت سیاسی باعث شد که معنای مشروعیت سیاسی متفاوت از گذشته شود و حامیان حکومت ها برای استمرار و بقا لازم بود از درون اکثریت مردم هر جامعه باشند همین پدیده باعث شد که معنای «امر سیاسی» صرفاً در «تخاصم و برخورد عریان و خشن» منحصر نباشد. به عبارت دیگر، «امر سیاسی»، معانی و نمود های دیگری پیدا کرد و قلمرو آن گسترده تر از گذشته و در تعابیر و نموده های نرم نیز خود را نشان داد. بر همین اساس از آنجا که یکی از مفاهیم مهم و مرکزی در قلمرو سیاست مفهوم «تغییر» است اینکه چه کسی یا چه کسانی در حوزه «تغییر سیاسی» نقش دارند ضمن متفاوت شدن معنا، نمود و تبلور «تغییر» در مطالعات مبتنی بر روش «تاریخ سیاسی جدید» در مقایسه با تاریخ سیاسی سنتی، طبعاً عوامل تغییر هم متفاوت شدند؛ طبقات، احزاب و غیره از مجرا و کانال انتخابات می توانند در تاریخ سیاسی جدید

باعث تغییر سیاسی شوند و لی معنای تغییر متفاوت از معنای گذشته بود که همه جانبه و گسترده تلقی می شد.

از آنجا که موضوع این مقاله، «تاریخ سیاسی جدید» است و قید «جدید»، ابعاد مفهومی، مطالعاتی و روش شناسی بر آن مترتب کرده است در این تحقیق با استفاده از منابع لاتین تلاش می شود برخی از آنها ارائه شود تا بدین وسیله، افق جدیدی در حوزه تاریخ نگاری و تاریخ پژوهی به نحو عام و تاریخ نگاری و تاریخ پژوهی سیاسی به نحو خاص ایجاد شود. این بررسی، جزء اولین کارها است و سابقه ای در این زمینه وجود ندارد. این تحقیق کمک می کند مدخلی را بگشاید تا افق های این عرصه، بهتر معلوم شود.

در ابتدا به معرفی کلی از تاریخ سیاسی سنتی پرداخته می شود و در ادامه به ابعاد مفهومی و مطالعاتی و روش شناختی «تاریخ سیاسی جدید» تا حد امکان اشاره می شود.

۲. تاریخ سیاسی سنتی

یک گام مقدماتی و مهم برای شناخت «تاریخ سیاسی جدید»، از مسیر بررسی تاریخ سیاسی سنتی می گذرد. یعنی با مشخص کردن حوزه موضوعی، مفهومی و نظری و ابعاد مرتبط با تاریخ سیاسی سنتی می توان به فهمی مناسب از «تاریخ سیاسی جدید» رسید.

در یکی از منابع مفهومی و نظری در باره دانش تاریخ، آمده که «تاریخ سیاسی سنتی»، بر نخبگان سیاسی اجتماعی تمرکز دارد. (ایگرس، ۱۳۸۹، ص ۹) از نظر استیون فیلدینگ (Steven Fielding)، جی. آر. التون (G.R. Elton) استاد انگلیسی تاریخ قانون اساسی در دانشگاه کمبریج به عنوان پیشکسوت تاریخ سیاسی سنتی در ۱۹۷۰ بیان کرد که همه اشکال تاریخی که موجود هستند متعلق به جهانی هستند که مورخان سیاسی ایجاد کرده اند و هر چیزی به سیاست مربوط است. از نظر فیلدینگ پرداختن به «حاکمان» یا «افراد رده بالای حکومتی» که کشتی دولت را هدایت می کردند به نوعی تاریخ سیاسی سنتی است.^۱

در یک نگاه کلی می توان گفت که سه ویژگی کلیدی در سنتهای متفاوت تاریخ سیاسی «قدیمی» وجود دارد. اول اینکه سنتهای تاریخ سیاسی قدیمی به هیچ وجه از نظر تئوریک بی طرف نبودند؛ همه آنها دیدگاه خیلی روشنی در ابتدا در مورد آنچه مهم بوده و آنچه مهم نبوده، داشتند. دوم اینکه، همه آنها تلاش کردند تا یک رویکرد یکپارچه را با دیگری در صورت ضرورت منافع و اهداف جابجا کنند. سوم، همه از تاریخ سیاسی سنتی و شرح ارتباط بین «تغییر اجتماعی» و «تغییر سیاسی» اجتناب کردند یا اینکه اگر اقرار کردند به

اینکه از تغییر اجتماعی به تغییر سیاسی رسیدند، به صورت تقلیل یافته و خیلی محدود توضیح داده اند.^۲

در مجموع می‌توان گفت هر جا روی بیوگرافی سیاسی رهبران سیاسی یا تاریخ نهادها و سازمان‌های کلان سیاسی مثل دولت و حکومت به صورت گاه شماری و «کرونولوژیک» تمرکز شود، به نوعی از روش و موضوع تاریخ سیاسی سنتی استفاده شده است. شایان ذکر است تاریخ سیاسی سنتی با وجود مطرح شدن و حتی شکل‌گیری «تاریخ سیاسی جدید» در برخی جاها، هنوز در حال اجرا است.

۳. پیشینه «تاریخ سیاسی جدید»

شاید برخی مطرح کنند که پیشینه و سابقه تاریخ سیاسی جدید به تلاش‌های لئو پلد فون رانکه آلمانی در قرن نوزدهم برگردد؛ زیرا ایشان از تاریخ سیاسی جدید حرف می‌زند و اعتقاد داشت تاریخ جدید و مدرن تنها در حوزه سیاست، قابل‌گردآوری است. و به نوعی از وی به عنوان «پدر تاریخ‌نگاری مدرن» (رحمانیان، ۱۳۹۱، ص ۸۷) یاد می‌شود؛ اما باید گفت رانکه در علمی کردن تاریخ قدم برداشته است و از آنجا که نگارش تاریخ علمی بر اساس نظر ایشان صرفاً مبتنی بر مواد و منابع آرشیوی بود و این اسناد آرشیوی هم عموماً در حوزه سیاسی، قابل‌تهیه بودند در نتیجه باید گفت رانکه و هوادارن وی در قرن بیستم جزء تاریخ‌نگاران سیاسی سنتی به حساب می‌آیند و تاریخ سیاسی جدید، البته کاری فراتر از بحث علمی کردن تاریخ است که رانکه انجام داده است.

در دهه هفتاد قرن بیستم میلادی گرایشی از جانب مورخان به سمت حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به شکل یک جریان افزایش پیدا کرد. روی کردی که در زمان‌های قبل هم به نحوی وجود داشت و در میان حوزه‌های مطالعاتی دیگر مثل جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بیشتر مطرح بود اما در مطالعات و بررسی‌های تاریخی و در بین مورخان، نمودی به صورت یک جریان نداشت؛ به عبارت دیگر، نگرشی به سمت تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی و تاریخ فرهنگی وجود داشت اما به یک جریان با ویژگی «عمومی»، شکل‌نگرفته بود. این نگرش بعداً تبدیل به یک «جریان» شد و باعث شکل‌گیری رشته‌های جدیدی در تاریخ هم شد: تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی، تاریخ فرهنگی و غیره.

با این جریان، تاریخ سیاسی که رویکرد غالب متن های تاریخی بود، شکل و فرم دیگری از لحاظ موضوعی و روشی پیدا کرد. به نحوی که تعبیر «تاریخ سیاسی جدید» بر آن بار شد که البته تفاوت هایی با تاریخ سیاسی سنتی دارد. این رویکرد «جدید» در تاریخ سیاسی، باعث تعمیق و تقویت و تکمیل و ارائه چهره ای جدید از تاریخ سیاسی شد این شکل و قالب جدید در راستای تکمیل سیر تاریخ نگاری سیاسی بود. اینکه این شکل از تاریخ چیست و چه مباحث و موضوعاتی در آن مطرح می شود بحثی است که باید بررسی و بیشتر توضیح داده شود تا ابعاد مفهومی، نظری و روشی آن معلوم شود.

جیمز اپستین (Epstein, James) اشاره می کند بیش از دو دهه گذشته، تاریخ سیاسی یک بازنگری قابل توجهی را انجام داده است که می توان آن را «تاریخ سیاسی جدید» قلمداد کرد. این بازنگری در عرصه «چرخش های زبانی و فرهنگی» در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی قابل نمایش است که ارتباط کمتری با فرایندهای رسمی دولت و نهادهای حکومت دارد. «تاریخ سیاسی جدید» غالباً روی اعمال و ارتباطات تمرکز سمبلیک دارد با این سوال که چگونه معنا تولید، دریافت و تقویت می شود. به عبارت دیگر سیاست معنا و معنای سیاست در تاریخ سیاسی جدید در هم تنیده اند. (Epstein, 2002:p255)

اخیراً «تاریخ سیاسی جدید» بوسیله محققانی چون جوئل سیلی، رون فورمیسانو و پائول کلپنر، سازمان دهی شده است؛ این افراد، عموماً تکنیک های کمی و نظریه های اجتماعی را برای تحلیل انتخابات و رفتار قانون گذاری بکار می برند. البته دیگرانی شامل ریچارد جنسون و میخائیل هالت نیز بودند که شبیه آنها در این حوزه فعالیت می کردند. (Shade: p389)

در تاریخ سیاسی جدید، یک مرحله مهم قابل ذکر است؛ مسیر تاریخی نگاری و تاریخ نگری جدید که از قرن ۱۸ شروع می شود.

در قرن ۱۸ پیر بل، اندیشمند فرانسوی اثر فرهنگ تاریخی و انتقادی را در مقابل انتقاداتی که به دانش تاریخ بود نگاشت. ارنست کاسیرر معتقد است پیر بل با نگرارش این اثر به انقلاب کوپرنیکی در دانش تاریخ دست زد و جنگ افزارهای لازم برای آزادی آگاهی تاریخی را از قید و بند الهیات و آموزه های کلیسایی فراهم آورد و همانطور که گالیه به استقلال دانش طبیعت از کتاب مقدس و تفاسیر اهل کلیسا از آن یاری رساند پیربل نیز زمینه استقلال دانش و آگاهی تاریخی را فراهم آورد (رحمانیان، ۱۳۸۶، ص ۵)

فیلدینگ می گوید: تاریخ سیاسی جدید، تحولات را درون نظم تاریخ برگرفته از زمینه و بستر در حال تغییر نشان می دهد به عبارت دیگر. تاریخ سیاسی جدید، تلاشی جهت بدست آوردن یافته هایی جدید، بدون از دست دادن نگاه معطوف به قدرت سیاسی است. گفته می شود "تاریخ سیاسی جدید" تعاریف محدود کننده ای که مهم و مرکزی بودند برای تاریخ سیاسی «قدیمی»، رد می کند. این نوع از تأکید، «سیاست مبتنی بر نخبگان» و «سیاست مبتنی بر گروه های اجتماعی - اقتصادی همگن» از قبیل «کارگران» را به چالش می کشد و تعبیر تفسیر مارکسیستی اجتماعی - ساختاری تغییر بر حسب طبقه را بی اعتبار می سازد.

"تاریخ سیاسی جدید" در بستر تاریخ نگاری اجتماعی یا تاریخ اجتماعی ظهور کرد که به شدت به آن اعتراض می شد. اما باید گفت که تاریخ سیاسی جدید «تاریخ اجتماعی جدید» نیست زیرا تاریخ سیاسی جدید با یک دیدگاه وسیع از «امر سیاسی» و درکی از پیچیدگی روابط بین گفتمان، «واقعیت اجتماعی» و خودآگاهی آغشته می شود.^۳

به نظر سوزان پدرسون (Susan Pedersen) رویکردهای نظری در بیست سال اخیر، رشد و گسترش پیدا کرده اند؛ پساساختارگرایی، مارکسیسم، فمینیسم از جمله این رویکردها هستند. این حوزه از تاریخ سیاسی، جدید است که در گذشته سیاست عالی (high politics) نامیده می شد؛ مورخان «سیاست عالی» معمولاً از ساختار سیاست بحث می کردند. ولی پرداختن به میراث فکری، باورها و اعتقادات و تعلقات سیاسی، مورخان سیاسی جدید را از مورخان سیاست عالی که در گذشته بیشتر بوده، جدا می کند. (Pedersen: p40)

از نظر پدرسون، مورخان سیاسی "جدید" روی دو موضوع تمرکز میکنند. ۱. ماهیت نظام سیاسی به عنوان بیانی از روابط قدرت و ۲. فرهنگ و افکار سیاسی. (Pedersen: P40) یکی از حوزه های کاری «جدید» مورخان در حوزه سیاست، سیاست توده پسند است. (Ibid: p43) جان وینسنت (۱۹۶۶) با بهره گیری از نظرات جان لورنس و مایلز تیلور به عنوان مبتکر اصلی «رویکرد جامعه شناسانه» به سیاست که قائل به فرض تقارن موثر روابط کارکردی بین تغییر اجتماعی و حزب سیاسی است، این بحث را مطرح می کند. (Pedersen: p44) امروزه تاریخ سیاسی در بریتانیا که به نوعی جدید است روی احزاب سیاسی، اندیشه سیاسی بعلاوه تحقیقات جدیدی در مورد سیاست توده پسند و فرهنگ سیاسی تمرکز دارد. (Pedersen: p45)

جان لورنس (Jon Lawrence) معتقد است «تاریخ سیاسی جدید» در یک تعبیر، «تاریخ از پایین» است همانطوری که در مورد تاریخ اجتماعی همین تلقی وجود دارد. در تاریخ از پایین از منظر سیاسی، بحث انتخابات و فعالیت حزبی و فرهنگ عمومی که باعث تفکیک سیاست رسمی و سیاست غیر رسمی می شود از موضوعات مهم است. (Lawrence, 2003: P715)

لورنس اشاره می کند در حوزه تاریخ سیاسی، لازم است روی روابط بین جهان سیاست نخبگان و توده ها بعلاوه استراتژی ها و جدال های احزاب رقیب به صورت انتقادی، تمرکز شود. (Ibid)

«تاریخ سیاسی جدید» محصول اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ است. سه نفر در طراحی «تاریخ سیاسی جدید» موثر بودند: لی بنسون، آلان جی بوگ و ساموئل پی هایس. بنسون، سازمان دهنده به حزب کمونیست بروکلین بود؛ بوگ، فعال اجتماعی کانادایی بود و هایس کسی است که بعلاوه اخلاقی یا عقاید مذهبی از ورود در ارتش در طی جنگ جهانی دوم خودداری کرد. آنها بیشتر در مورد جریانات سیاسی جالب هر زمان توافق داشتند با این هدف که آن جریان تاریخی را بیشتر از منظر تحلیلی مورد بررسی قرار دهند. آلان جی بوگ کسی است که در سال ۱۹۶۷ اصطلاح «تاریخ سیاسی جدید» را ابداع کرد؛ وی در مقاله اش، عمدتاً استدلال می کند مورخان کسانی هستند که از انواع مختلف تکنیک ها و تحلیل های کمی و رفتاری استفاده می کنند تا مسائل سستی مختلف در تاریخ سیاسی را مورد بررسی قرار داده باشند. (Shade: p389) و طبعاً این را در مورد تاریخ سیاسی ایالات متحده آمریکا می گوید.

در میانه دهه ۱۹۵۰ تحت تأثیر پل لازاراسفلد، بنسون، علوم اجتماعی را پذیرفت و مورخان را در مورد نیاز به طراحی شیوه های تحقیق بهتر و تحلیل های نظام مند تر، مجاب کرد. او از تاریخ اقتصادی به سمت بررسی رفتارهای انتخاباتی چرخش داشت و روش هایی که در حوزه انتخابات ممکن است مورد استفاده مورخان برای بررسی افکار عمومی گذشته قرار گیرد، مورد تحقیق قرار داد. این اقدام، منجر به تولید کتابی شد با عنوان «مفهوم دموکراسی جکسونی: مورد نیویورک ۱۹۶۱ پرینستون؛ این کتاب زمینه ساز مدلی برای تاریخ سیاسی جدید شد» (Shade: p389) کتاب بنسون نیز در برگرفته طرح تحقیقی روشن، استفاده دقیق از مفاهیم و منطق تحلیل چند متغیره است. بنسون هم معتقد است تاریخ سیاسی خوب و نظام مند، بهترین روش برای شناخت فرهنگ آمریکایی است.

«تاریخ سیاسی جدید» به صورت غیر قابل انکاری مهم است زیرا یک روش شناسی منعطف را ارائه می کند که در وفق دادن با رویکرد های متفاوت توانا است. معرفت شناسی آن از راه های متنوع حاصل می شود.

ارزش «تاریخ سیاسی جدید» از طریق سه ویژگی مهمش معلوم می شود: اولین بخش، درک تاریخ سیاسی جدید از زبان و ساختار مورد بررسی قرار می دهد. این باور وجود دارد که، توان توضیح دهندگی «تاریخ سیاسی جدید» در صورت تأکید بر پیچیدگی واقعیت بواسطه بحث های زبانی و ساختاری بالا است. بخش دوم، تعریف وسیع از «امر سیاسی» در «فرهنگ سیاسی» است. این باور وجود دارد که «تاریخ سیاسی جدید»، تناقضاتی که سابقاً در تاریخ سیاسی بوده از بین می برد. بخش سوم، اهمیت کارگزاری فردی در «تاریخ سیاسی جدید» است. از این سه ویژگی نتیجه گرفته می شود که «تاریخ سیاسی جدید»، رویکردی محکم و استوار در تاریخ سیاسی بخاطر تجربی و زمینه ای بودنش است.

تاریخ سیاسی به دو شاخه اساسی تقسیم می شود که تقریباً کاملاً از هم جدا هستند: یکی روی تشکیلات سیاسی و دسیسه چینی نخبگان درون دولت تمرکز دارد و دیگری روی سیاست توده گرا از طریق مطالعه فرهنگ توده و سیاست زندگی روزمره تمرکز دارد. (Lawrence, 2003: p720). بازسازی زبان و رسوم فرهنگ سیاسی توده گرا نیازمند نشان دادن ارتباطات بین فرهنگ توده گرا و سیاست رسمی و سازمانی و ارتباط بین ادراکات توده از اقتدار و سازوکارهای واقعی اعمال اقتدار در هر جامعه است. (Ibid)

هر تاریخ سیاسی یکپارچه ای می بایست ۴ مشخصه اساسی را نشان دهد: یکم، علاقمندی تحلیلی در پذیرش و ساخت گفتمان سیاسی و در نتیجه تحلیل در ابعاد اجتماعی و فرهنگی سیاست. دوم، دوران‌اندیشی جهت گسترش توضیحات قابل قبول مربوط به تغییر در طول زمان. سوم، آگاهی سریع از ارتباطات تنگاتنگ حوزه سیاست به عنوان یک نظام رقابتی و کشمکش خیز؛ جایی که افراد، گروه ها و احزاب به تنهایی به نحو مناسب فهمیده نمی شوند. و چهارم، درکی از توانایی سیاست های دولت در شکل دهی به فرم و محتوای سیاستگذاری های توده گرا. (Lawrence, 2003: p721) تاریخ سیاسی جدید، «عدم قطعیت تئوریک» را با پذیرش اینکه درجه ای از عدم قطعیت، طبیعی است اما این عدم قطعیت درون محدوده ای مشخص است، حل کرده است. عدم قطعیت یکی از مفاهیم حوزه پست مدرنیسم است و در این زمینه با تاریخ سیاسی جدید در جاهایی مشترک شده است.

۴. موضوعات و مباحث مرتبط با تاریخ سیاسی جدید

در ارتباط با تاریخ سیاسی جدید چند محور دارای اهمیت است که شامل موارد ذیل هستند:

۱. موضوعات جزئی

۲. مباحث کلی

۳. روش شناسی

هر کدام از این محورها از این جهت دارای اهمیت هستند که معلوم شود در حوزه تاریخ سیاسی چه بحث‌هایی ارائه شده و طبعاً با شناخت آنها بهتر می‌توان در این حوزه خصوصاً از نوع جدیدش فعالیت کرد.

۱.۴ موضوعات جزئی

در تاریخ سیاسی جدید، موضوعات و مباحث جزئی دنبال می‌شود که در نظر هر پژوهشگر ممکن است، محوری یا مرکزی باشند که برخی از آنها در ادامه آورده می‌شوند.^۴ موضوعات و مفاهیمی چون رهبران سیاسی، تحول دولت از محلی به روابط بین‌المللی و اشکال دولت و چرخش و تکامل آن و تاریخ شهر-جمهوری و شاکله شهروندی از طرف تی پی وایزمن، تاریخ مرد و زن، مردم و اقدامات آنها در عرصه عمومی، قانون، قانون اساسی، دولت و ساختارهای اجتماعی از طرف جی آرآلتون (G.R. Elton)، تنش سیاسی در سطح محلی و ملی مثل جنگ داخلی از طرف کنراد راسل (Conrad Russell)، سازمان و عملکرد قدرت و اشکال فعالیت سیاسی در جامعه از طرف رونالد هاتن (Ronald Hutton)، تاریخ حزب از طرف جان ترنر (John Turner)، تاریخ دولت، تاریخ روابط دولت‌ها و تاریخ دولتمردان بزرگ از طرف استیون فیلدینگ (Steven Fielding)، نیروهای موثر در تغییرات در دولت‌ها و قوانین در موضوعاتی خاص چون مرز، تصادم، منافع اقتصادی و غیره از طرف میخائیل کازین (Michael Kazin)، حوادث، جنبش‌ها و رهبران سیاسی در دایره المعارف اوپن توپیا (encyclopentopia)، حیات سیاسی و هر آنچه در آن سهمیم و دخیل است در دایره المعارف تاریخ سیاسی آمریکا (Encyclopedia-of-US-Political-History) مطرح شده است. (حسنی فر، فصل چارچوب دهی مفهومی به تاریخ سیاسی در

پرتو بررسی تعاریف آن، ۱۳۹۴، طرح پژوهشی تاریخی سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

آنچه در بررسی این موضوعات قابل ارائه است این است که هر یک از موضوعات فوق الذکر، می تواند مفهومی محوری به حساب آید و به عنوان چارچوبی برای مطالعه و تحقیق تاریخی از منظر سیاسی در نظر گرفته شود اما نکات علمی قابل توجه در این رابطه شامل موارد ذیل است:

۱. تنوع و تشتت موضوعات

۲. زاویه دیدهای نظری متنوع و حتی متفاوت مضمور و مستتر در این موضوعات

۳. ارتباط موضوعات ذکر شده با هر جامعه به عنوان مصداق تاریخی اتفاق افتاده یا بحث تاثیر زمان و مکان در برجسته بودن هر موضوع.

البته با همه این اوصاف هر کدام از این موضوعات می تواند به عنوان یک موضوع یا مفهومی نظری در بررسی تاریخ سیاسی به حساب آید که در هر جایی بکار گرفته شود.

۲.۴ مباحث کلی

در ارتباط با «تاریخ سیاسی جدید» مباحث و محورهای کلی مطرح شده است که از منظر تئوریک قابل بحث و ارائه هستند و در بررسی سیاست در تاریخ می توانند بکار گرفته شوند. در ادامه به برخی از آنها پرداخته می شود.

۱.۲.۴ پست مدرنیسم و تاریخ سیاسی جدید

از اوایل دهه ۱۹۸۰ تاریخ اجتماعی با چالش جدید پسا مارکسیسم مواجه شد که بحث تغییر به سمت فرهنگ یا چرخش زبانی و تاریخ سیاست توده گرا را مطرح می کرد. ریشه تأکید بر فرهنگ به مطالعات انسان شناختی مخصوصا کارهای کلیفورد گیرتز و مدل های پست مدرنی تفکر بویژه کارهای میشل فوکو و ژاک دریدا بر می گشت. (Lawrence, 2003: p718) در بریتانیا تأکید پست مدرنیسم روی فرهنگ، مطالعات اولیه ای برای بررسی مرکزیت ایده ها درباره امپراتوری، نژاد و جنسیت جهت درک شهروندی و ملت سیاسی تولید کرد. (Ibid) مورخان سیاسی، علاقمند بودند روی «ایده ها» تمرکز کنند و همین باعث تعریف حوزه ای برای سیاست شد که «تاریخ سیاسی جدید» نام دارد و روی زمینه و

بستر فرهنگی وسیع و گسترده تمرکز دارد. در این نگرش، ایده، مصنوع فرهنگ است. البته این باعث کاستن از اهمیت ایده ها در سیاست نیست. بلکه به این معنا است که هنجارهای فرهنگی و انتظارات، نقش اساسی روی شکل و محتوای عمل سیاسی دارند. (Lawrence, 2003: p719)

«تاریخ نگاری پست مدرنیستی» از جمله تاریخ های سیاسی جدید به حساب می آیند. (Lawrence, 2003: p721)

ویلیام جی شید در مقاله «تاریخ سیاسی جدید جدید»، تاریخ سیاسی جدید را به مناظرات و گفتگوهای گسترده در میان مورخان در مورد چرخش زبانی پست مدرنیسم و نظریه انتقادی نئومارکسیسم (تغییر فرهنگی) ارتباط می دهد که به نوعی یک تاریخ فرهنگی جدید از سیاست است. (Shade: p388)

تاریخ سیاسی جدید به طور ساختاری، نواقص تاریخ سیاسی قدیمی را پاسخ می دهد. «جدید»، در تاریخ سیاسی جدید، درجه سنتزی است که ماهیت تدریجی تغییر، تنوع اصول و وسعت ارتباط با سنت های اولیه را باز نمود می کند.

۲.۲.۴ زبان، ساختار و تاریخ سیاسی جدید

«تاریخ سیاسی جدید»، روابط متقابل پیچیده ای بین زبان و ساختار فرض می کند. این نکته از این جهت مهم است که تاریخ سیاسی به صورت سنتی، تغییر را نسبتی یا ساختاری تبیین کرده است. «تاریخ سیاسی جدید» دیدگاه کاملاً غیر ارجاعی پست مدرنیست ها از زبان را مبنی بر اینکه هیچ چیزی خارج از متن نیست بخاطر توصیفی بودن مطالعات زبان، و نه تبیینی بودنشان، رد می کند. با این حال، اهمیت این را در به چالش کشیدن مفروضات علی و معلولی دیرین به رسمیت می شناسد. زبان غیر ارجاعی، غامض است زیرا درکی از متون نیازمند درکی از واقعیت است حتی اگر این که به وسیله آن متن به طور مستقیم، تشریح یا تولید نشده باشد. «تاریخ سیاسی جدید» نیاز به پذیرش واقعیتی و رای گفتمان را فرض می کند. این ماهیت تا حدی ساخته شده، مورد مشاجره قرار نمی گیرد. ما نمی توانیم دانش مستقیم از واقعیت آنچنان که هست داشته باشیم؛ این امکان وجود دارد تا واقعیت را همانگونه که دریافت و پذیرفته می شود درک شود که این تحت تأثیر گفتمان است.

علیرغم اینکه «استدمن جونز» ادعا می کند زبان، خود ارجاع است ولی معمولاً اهمیت واقعیتی و رای آنچه که زبان ایجاد کرده را به رسمیت می شناسد. او ادعا می کند که مقصود در زبان طبقه، موضوع مرکزی تاریخ سیاسی بوده است. (Jones, 1983: p183)

لورنس بلک معتقد است شکل گیری تاریخ سیاسی جدید بخاطر «چرخش زبانی» و تأمل دوباره روی مقوله «امر سیاسی» است.

در حالی که تاریخ سیاسی جدید استدلال مبنی بر پیچیده بودن ارتباط بین واقعیت اجتماعی و زبان را می پذیرد با این حال دیدگاه عدم درک آنها را رد می کند؛ مک گیبین در مورد طبقه و فرهنگ ها بیان کرده است که مادامیکه ساختارها قادر نیستند تغییر را پیش بینی کنند، تغییر سیاسی می تواند علی الاغلب از طریق بازگشت به گذشته با بررسی وضعیت های اجتماعی فهمیده شود.

ضروری است تا از پیش، فرض شود که حقایقی در برخی سطوح، جهت دستیابی به عرصه اجتماعی و واقعیت اجتماعی که تبیین تاریخی امکان پذیر است، وجود دارد. این البته ساختارگرایی نیست. «واقعیت اجتماعی» به صورت استدلالی و به عنوان یکی از حوزه های واقعیات اجتماعی محتمل از طریقی که تغییر، تبیین می شود، فهمیده می شود. «سوسور» از عدم امکان انتزاع تجربه از زبانی که اجزاء اصلی اش را ساختار بندی می کند صحبت کرده است. تاریخ سیاسی جدید تأکید می کند در حالی که چنین استخراجی غیر ممکن است تا با قطعیت اجرا شود اما با این وجود، امکان پذیر است. اهمیت این رویکرد در این است که هیچ یک تقلیلی یا توصیفی نیستند.

۳.۲.۴ فرهنگ سیاسی و تاریخ سیاسی جدید

تاریخ سیاسی جدید، جامعه پارلمانی را در اصطلاحات وسیع تر و درون یک فرهنگ سیاسی بزرگتر می بیند. تاریخ سیاسی جدید یکپارچه و نامتناقص نیست، اما فراگیر است. زیرا انواع متفاوت فرهنگ سیاسی را با یک مفهوم وحدت بخش به هم می چسباند. اهمیتش این است که ارتباطی بین «امر اجتماعی» و «امر سیاسی» برقرار می کند و ویژگی سیاسی فعالیت ها را در حوزه هایی که به صورت سنتی، غیر سیاسی دیده می شدند به رسمیت می شناسد.

لورنس معتقد است مورخان ماتریالیست در تبیین تغییر به نسبت تئوریهای فرهنگی توانا تر بودند. واقعیت تغییر اجتماعی - اقتصادی غیر قابل انکار است. اهمیت مداوم عوامل

مادی برای تاریخ سیاسی جدید-البته در چارچوب بیشتر تجربی- تأکید مجددش را بر ارزش های تاریخی انعکاس می دهد.

لورنس آورده که تغییر به سمت «فرهنگ سیاسی» در تاریخ سیاسی جدید، گسترده‌گی مفهوم سازی روابط را بر حسب قدرت منعکس می کند و راهی برای تعریف وسیعتر از " امر سیاسی " را هموار می کند. «فرهنگ سیاسی» به این دلیل آمده است تا فهرستی از رویکردهای تاریخی را شرح دهد. این تعریف مجدد به این معنی است که شواهد متنوع بیشتر می تواند از جاهایی باشد که مورخان تاریخی سنتی مطالعه نکرده اند. (Lawrence, 2003: P723)

تأثیر این تنوع فهمیده شدن سیاست به عنوان محدوده ای از قلمروهای شبه مستقل است که توسط فرهنگ سیاسی یکپارچه شده است.

لورنس پیشرو توجه نمودن به ابعاد متفاوت فعالیت سیاسی بوده است. فرهنگ سیاسی، ابزاری در راستای این فهم بوده که چطور احزاب قادر بودند تا در تعامل با جامعه باشند. این به معنی بازشدن تاریخ سیاسی به سمت دیدگاه هایی از رشته های دیگر. «تاریخ سیاسی جدید»، چرخشی سیاسی در تئوری فرهنگی را باز نمود می کند. ارزش فرهنگ سیاسی تولید فهمی دقیق از روابط قدرت از طریق مفاهیم تحلیلی از قبیل «باز نمود» است. ماحصل این گسترده کردن، سنتزی است که در آن حصارهای تاریخ سیاسی سنتی فرسایش می شود و مناظرات دیرینه قطب بندی می شود که در آن، ارزش تحقیق تاریخی مورد تأکید قرار بگیرد. این تقابلی در برابر پست مدرنیسم است که تردید به حوزه ای داشت که در آن فهمی از واقعیت دست یافتنی است. تاریخ سیاسی جدید نمی تواند متهم به تنگ نظری فکری باشد چرا که توافق عام ایجاد کرده است. مناظرات در دهه ۱۹۹۰ «گفتگویی از یک معامله» روشی برای سنتزی پربار از تاریخ مدرن و پست مدرن داده است. کمرنگ شدن تقسیم بندی نخبه و توده نیز باعث انعکاس پیشرفت هایی در تاریخ روشنفکری و اجتماعی شده است.

۴.۲.۴ امر سیاسی و تاریخ سیاسی جدید

نسل جدیدی از مورخان ارتباط بین «امر اجتماعی» و «امر سیاسی» (the political) را اعاده کرده اند. از آنجا که معرفت شناسی تاریخ سیاسی جدید بیشتر مبتنی بر «رضایت» است تا «معارضه و تخاصم» این نکته باعث می شود تا حوزه «امر سیاسی» معنای دیگری پیدا کند؛ این نکته در بررسی حوزه تاریخ و پژوهش و تاریخ نگاری جدید می تواند مبنای نظری قابل توجهی باشد که به نوعی مستلزم بازتعریف «امر سیاسی» است.

۵.۲.۴ فرد و هویت فردی در تاریخ سیاسی جدید

تأکید «تاریخ سیاسی جدید» بر «افراد» است؛ زیرا آن ورای محدودیت‌های تحمیلی بوسیله دیدگاهی از سیاست برحسب ساختارها و گروه‌های خاص، حرکت می‌کند. «تاریخ سیاسی جدید» بر فعالیت سیاسی فردی و هویت تأکید دارد. هویت سیاسی هم انحصاری و یکپارچه نبود. اهمیت این تأکید بر فعالیت فردی، هویت و قلمروهای شبه مستقل فعالیت سیاسی باعث به چالش کشیده شدن، دیدگاهی شده است که تاریخ سیاسی را انحصاری یا ساده می‌داند. مورخان سیاسی جدید نه تنها به روایت‌ها و اتفاقات بزرگ، بلکه همچنین به احتمالات/پیشامدها علاقمند هستند. برای آنها، آنچه بدیهی است لزوماً بی اهمیت نیست.

تاریخ سیاسی جدید اهمیت «افراد» در خلق هویت‌های سیاسی را مورد تأکید قرار می‌دهد. به صورت سنتی، مورخان سیاسی، هویت‌های غیر نخبگانی را، غیر مهم می‌دیدند و مورخان اجتماعی نیز فقط هویت‌هایی را تا آنجا مهم می‌دیدند که بخشی از ساختار بزرگتر تشکیل می‌داده است. تاریخ سیاسی جدید بیان می‌کند که هویت‌های فردی در حقوق خودشان خیلی مهم هستند. قلمرو کارگزاری فردی نسبت به پیش‌فرض‌های جامعه شناختی درباره ساختار سازی نهادی، رفتار سیاسی را منعکس می‌کند. بنابراین اهمیت دارد تا نقش افراد در ایجاد هویت‌هایی که به عنوان نیروهای دینامیک در پاسخ دادن به نظم‌های ساختاری وسیع‌تر عمل می‌کنند، فهمیده شود.

۶.۲.۴ حزب، پارلمان، رأی و انتخابات و تاریخ سیاسی جدید

در تاریخ سیاسی جدید توازن تأکید بین تأثیر تغییر اقتصادی و تغییر اجتماعی با توجه به فاکتورهای سیاسی حزب، سیاست‌ها و ایده‌ها وجود دارد. (Black: p23)

تاریخ سیاسی جدید با بحث حزب و انتخابات ارتباط دارد. «نیاز به احزاب جهت بسیج و ساختن اتحادیه‌های با ثبات منفعتی، ایده‌ای نیست که از مدل جامعه شناختی انتخاباتی مخفی باشد.» (Black: p35) در تاریخ سیاسی جدید، تقدم سیاست مطرح است. (Ibid) فاکتورهای سیاسی شامل احزاب، خطی‌مشی‌ها، ایده‌ها، فرهنگ سیاسی است. (Black: 2003: 23-38)

لورنس و تیلور تأکید کرده‌اند که احزاب سیاسی در بریتانیای مدرن به ندرت در حوزه تغییر اجتماعی منفعل بوده‌اند. اهمیت فعالیت انجمنی در راستای فعالیت سیاسی است که برای «تاریخ سیاسی جدید» مرکزیت دارد. فعالیت انجمنی باعث صف‌بندی سیاسی می‌شود.

مطالعه تاریخ سیاسی آمریکا در حقیقت با بیوگرافی اجتماعی رهبران سیاسی و تحلیل انتخابات یا رفتار قانونگذاری آغاز شد. بیوگرافی اجتماعی، تکنیکی قدیمی بود که به گذشته و زمان چارلز بیرد در بررسی کنوانسیون قانون اساسی بر می گشت. (Shade: p390)

مورخان سیاسی جدید برخی سخت گیری لازم را در این مناظرات و گفتگوها داشتند؛ هایس، بررسی کرده مبانی اجتماعی رفتار رأی دادن در غرب را به عنوان روش بهتر درک دعوای قومی، مذهبی و گروه های اجتماعی اقتصادی است. وی بیشترین کار موثرش را روی نخبگان سیاسی و اصلاح شهری متمرکز کرده بود. او به ضعف های روش شناختی مطالعه ریچارد هاف استادر از ترقی گرایی حمله کرد. هایس عمدتاً به تصمیم گیران که شامل رأی دهندگان و رهبران حزب بودند و بستر فرهنگی آنها که باعث رفتارشان می شد علاقمند بود. هایس، بیوگرافی اجتماعی را جهت بررسی ایده ها و رفتار گروه های اصلاحی در ارتباط با موقعیتشان در ساختار اجتماعی و اینکه چطور باعث سیاستگذاری ها می شود، بکار می برد. (Shade: p390)

تأثیر هایس باعث مطالعات نظام مند تر مورخان سیاسی جدید، سمت دهی به آرمان هایشان در توجه به نخبه سیاسی بودن مقامات، بوروکرات ها، لایست ها و دیگر نیروهای موثر در سطوح فدرال و ایالت دولت و حتی بحث تغییر آنها در طول زمان شد. مورخان سیاسی جدید همسو با توجه کردن به رفتار تصمیم گیران نخبه، به سمت تحلیل آراء در کنگره و قانون گذاران حکومت، علاقه پیدا کردند. (Shade: p390)

الکساندر و سیبلی روش های جدید مأخوذ از علوم سیاسی را جهت بررسی تأثیر عوامل بومی در فضای قبل از جنگ معرفی کردند. بوگ، مدلی را برای مطالعات آینده تدارک دید و تعدادی از دانشجویان فارغ التحصیل را در این راستا هدایت کرد. مورخان سیاسی جدید، این تکنیک ها را برای پاسخ به سوالاتی در مورد توسعه احزاب در کنگره و قانون گذاران دولت، نظام باور حزبی و حتی برجسته کردن موضوعات مشخص در زمان های متفاوت و سطوح مختلف نظام سیاسی بکار می بردند. (Shade: p391)

با تمرکز روی احزاب و نظام حزبی، مورخان سیاسی جدید قادر بودند روابط بین سیاست های ملی و ایالتی، رأی دهندگان و نخبگان سیاسی و ساختار اجتماعی و ساختار سیاسی را بررسی کنند.

در همه تاریخ های سیاسی جدید یکی از موضوعات محوری، «انتخابات» است که باید دیده شود. انتخابات حوادث فردی نیستند همانگونه که مورخان به صورت سنتی آنها را تصویر کردند.

۳.۴ روش شناسی

روش شناسی های متفاوتی برای مطالعه و رسیدن به معرفت و شناخت در تاریخ سیاسی مطرح شده است: (حسینی فر، فصل تاریخ سیاسی جدید، ۱۳۹۴، طرح پژوهشی تاریخ سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

"بازتفسیر" را کنث مورگان مطرح کرده است؛ "بازسازی تخیلی" توسط رونالد هاتن؛ "گاهشماري" توسط کنراد راسل؛ "تفسیر" توسط وایزمن؛ "فهم و استنباط" توسط آلتون.

- کنث مورگان می گوید: تاریخ سیاسی به معنی "باز تفسیر" هر واحد معین یا جامعه - یک شهر، یک منطقه یک مردم یک دولت یا اجتماع بین المللی است برحسب اینکه چطور قدرت دیده می شود؛ بکار گرفته می شود؛ مورد رقابت قرار می گیرد و مورد سوءاستفاده قرار می گیرد یا حتی انکار می شود.
- رونالد هاتن می گوید: فهم گذشته از منظر تاریخ سیاسی، مستلزم «بازسازی تخیلی» است. تاریخ سیاسی نیازمند شاهکارهایی حماسی از بازسازی تخیلی است.
- کنراد راسل می گوید: تاریخ سیاسی، استوارترین گاهشماري (ترتیب تاریخی وقایع) را فراهم می آورد. شاید بهترین شاخه از تاریخ جهت فراهم آوردن گاهشماري اساسی ، تاریخ سیاسی باشد. بدون گاهشماري در هیچ جایگاهی قرار نداریم تا به رابطه علی و معلولی توجه کنیم.
- وایزمن می گوید: بحث «تفسیر سیاسی» از موضوعات مطرح در این زمینه است مثلاً در ارتباط با جمهوری رم، مورخان در قرن نوزدهم نظام دو حزبی خواص و عوام را می بینند و در قرن بیستم جناح های مبتنی بر خانواده های نجیب و متحدانشان. موضوعات سیاسی در جاهایی هستند که خطر اشتباه در ترتیب حقیقی وقایع و ظهور و بروز اشخاص، در آنها به صورت جدی وجود دارد؛ این خطر

اشتباه، بخاطر تفاوت موضوعات سیاسی نیست بلکه بخاطر شباهت های اسن موضوعات است.

- آلتون می گوید: تاریخ سیاسی می تواند کارکردش را به نحو مناسب فقط در صورتی اجرایی کند که فهم و استنباط مردم و ساختارهای اجتماعی از کارگزاران و قربانیان سیاسی فعال وجود داشته باشد.

۵. نتیجه گیری

آنچه مهم است اینکه مرز بندی معنای تاریخ سیاسی جدید از تاریخ سیاسی سنتی نشانگر تغییری مهم در حوزه مفهومی و روشی و مطالعاتی تاریخ سیاسی است.

در مورد تاریخ سیاسی سنتی نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. بررسی تاریخ از بالا و پرداختن صرف به صاحبان قدرت بوده است .
 ۲. در تاریخ سیاسی سنتی انحصار قدرت در حوزه سیاست بوده است.
 ۳. در تاریخ سیاسی سنتی تمرکز قدرت بر چگونگی بدست گیری و حفظ آن با روش های مبتنی بر زور و سلطه عریان بوده است .
 ۴. در تاریخ سیاسی سنتی تمرکز موضوعی روی مقوله هایی چون بیوگرافی سیاسی رهبران سیاسی، رفتار حاکمان و افراد بالای حکومتی، تاریخ نخبگان سیاسی و نهادهای کلان سیاسی مثل دولت بوده است .
 ۵. در تاریخ سیاسی سنتی معنی امر سیاسی با ابتنا بر تخصص و برخورد بوده است .
 ۶. در تاریخ سیاسی سنتی ، تاریخ نگاری ها غالباً بی طرف نبودند.
 ۷. در تاریخ سیاسی سنتی از شرح ارتباط بین «تغییر اجتماعی» و «تغییر سیاسی» اجتناب می شد یا اگر ارتباطی مطرح می شد خیلی تقلیل یافته بود.
- در مورد «تاریخ سیاسی جدید» نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. اما تاریخ سیاسی جدید، حوزه ای نوپا است که به افق هایی تازه تری توجه دارد. به نوعی، تاریخ از پایین هم به آن قابل اطلاق است. به عبارت دیگر "تاریخ سیاسی جدید" ، تاریخ سیاسی اجتماعی یا تاریخ اجتماعی سیاسی است.
۲. تاریخ سیاسی جدید، همه فعالیت ها و رفتارهای حوزه قدرت سیاسی که امروزه گسترده و وسیع هم هستند و صرفاً شامل رفتار و عملکرد فرادستان و حاکمان نمی شود را

در بر می گیرد. رفتار تک تک افراد جامعه و مردم در ارتباط با قدرت در حوزه سیاست دارای اهمیت است. به عبارت دیگر صرفاً سرآمدان نظام سیاسی و حکومت مورد بررسی قرار نمی گیرند. علاوه بر اینکه همه رفتارهای دولت مورد نظر است، رفتارها و تعاملات اجتماع و جامعه و مردم با دولت و قدرت سیاسی، گروهها و جمعیت های خارج قدرت، فرهنگ، زبان، هویت، ساختارهای اجتماعی و غیره هم در نظر گرفته می شود.

۳. وجود تاریخ چند دهه ای از شکل گیری تاریخ سیاسی جدید و بسترها و مقدماتی چون مشروطه شدن حکومت ها، اهمیت یافتن مشارکت مردم در حوزه سیاست، شکل گیری نظام های انتخاباتی و بوجود آمدن نهادهای مهمی چون پارلمان، تحقق ورود و دخالت مستقیم و غیر مستقیم نهادینه شده تک تک مردم و افراد جامعه به حوزه قدرت سیاسی و غیره، همه و همه در ظهور و بروز این نوع از تاریخ نگاری یا بررسی تاریخی و تقویت آن نقش داشتند.

۴. یکی از موضوعات مرکزی مهم در بررسی تاریخ سیاسی، پرداختن به مقوله «امر سیاسی» است. معنای «امر سیاسی» به عنوان موضوع تعاملاتی در بحث «روابط» در تاریخ سیاسی با توجه به تغییرات در حوزه های متفاوتی تواند عوض شود. در تاریخ سیاسی جدید، معنای امر سیاسی، تبلور در تخصص و درگیری عریان نیست. شاید بررسی تخصصات یکی از حوزه های مهم تبلور امر سیاسی باشد اما این محدوده را می توان با عوض کردن نقاط تمرکز با مشخص کردن تعریف دقیق قلمرو امر سیاسی، به نحو دیگری تعریف کرد. امر سیاسی در هر زمان و حتی در هر مکان معنای نظری و عملی متفاوتی دارد.

۵. نکته مهم دیگر در تاریخ سیاسی جدید توجه به عامل «تغییر» است. در تاریخ سیاسی جدید، تغییر مبتنی بر طبقه و نخبگان و دولت - که در تاریخ سیاسی سنتی زیاد بوده - به چالش کشیده می شود. تغییر در تاریخ سیاسی جدید، می تواند توسط لایه های دیگر جامعه (زنان، جوانان و غیره) و متاثر از فضاها و ظرفیتهای ساختاری فرهنگی و اجتماعی مثل زبان، هویت، فرهنگ و حتی گروه های اجتماعی جدید و غیره بوجود بیاید.

۶. «تاریخ سیاسی جدید» روز بروز در حال پیچیده تر شدن است؛ ورود مقولاتی چون زبان و ساختار زبانی، گفتمان های فرهنگی چون هویت، گروه های فعال مربوط به زنان، جوانان، کودکان، جنگ، حقوق بشر و محیط زیست، پست مدرنیسم، و غیره همه و همه باعث پیچیده شدن بررسی های تاریخ سیاسی جدید می شود.

در ادامه محورهای قابل توجه در ارتباط با تاریخ سیاسی جدید ذکر می شود:

۱. گاهی بین «تاریخ سیاسی جدید» و «تاریخ اجتماعی» که هر دو بحث تاریخ از پایین را مطرح می کنند همپوشانی هایی دیده می شود. البته نوع نگاه و زاویه دید هر کدام از آنها با وجود مشترک بودن حوزه تمرکز و نحوه استدلال آنها متفاوت است؛ یکی از منظر اجتماعی و فرهنگی بررسی می کند و دیگری از منظر سیاسی و منطق قدرت سیاسی و این شاخص تفاوت آنها است.

۲. تاریخ سیاسی جدید، همسو با تحولات در حوزه های سیاسی و اجتماعی و شکل گیری علوم جدیدی چون جامعه شناسی، روان شناسی و روش شناسی جدید چون پوزیتیویسم و حتی رویکردهای تفسیری و انتقادی و هرمنوتیک، ظهور پرقدرتی پیدا کرده است. چراکه زمینه و بستر شکل دهی به تحولات، یا بحث بستر فرهنگی و ایده ی حاصل از آنها در تاریخ سیاسی دارای اهمیت می شود.

۳. در تاریخ سیاسی جدید، نظریه های علوم اجتماعی، رویکرد های مارکسیستی، فمینیستی، فرهنگی، زبان شناختی، پسا ساختارگرا، گفتمانی، هرمنوتیکی و غیره حضور و محوریت دارد.

۴. در تاریخ سیاسی جدید، موضوعاتی چون فرهنگ و افکار سیاسی، سیاست توده پسند و عام گرا، نظام حزبی، انتخابات، استراتژی های جدال احزاب رقیب، معنای سیاست، اوضاع و احوال زندگی روزمره و غیره دارای اهمیت است.

۵. تاریخ نگاری فمینیستی و پست مدرنیستی از انواع تاریخ سیاسی جدید به شمار می آیند.

۶. تاریخ سیاسی جدید، رویکردی است که می تواند در برهه هایی از تاریخ معاصر جوامع بر حسب میزان تاثیرپذیری از جریانات مدرن و جدید به عنوان روش بررسی تاریخ، بکار گرفته شود.

۷. اگر تاریخ سیاسی جدید به عنوان روش بررسی تاریخ، مورد استفاد قرار گیرد موضوعات و رویکرد حاکم بر مطالعه آن متفاوت از تاریخ سیاسی سنتی می شود.

۸. تاریخ سیاسی جدید می تواند حرکت به سمت علمی کردن رشته تاریخ با استفاده از روش های تحقیقی کمی چون پوزیتیویسم. روش تحقیق های تحلیلی چون هرمنوتیک و انتقادی و نظریه های جدیدی چون مارکسیسم و فمینیسم و پست مدرنیسم، جنبشهای جدید اجتماعی و غیره تعبیر شود.

پی‌نوشت‌ها

1. www.press.princeton.edu/chapters/p9518.pdf
2. Ibid
3. www.press.princeton.edu/chapters/p9518.pdf
۴. این موضوعات برگرفته از طرح پژوهشی است که توسط نگارنده در مورد تاریخ سیاسی با بررسی تعاریف تاریخ سیاسی انجام گرفته است.

کتاب‌نامه

- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴). *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه امام صادق (ع).
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- ایگرس، گئورگ (۱۳۸۹). *تاریخ نگاری در سده بیستم*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سمت.
- حسینی فر، عبدالرحمن، (۱۳۹۴)، *طرح پژوهشی تاریخ سیاسی جدید*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۹). «پیدایش تاریخ اجتماعی» *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شهر یور.
- گفتگوهایی در باب تاریخ شناسی و تاریخ نگاری (۱۳۹۱). گفتگو با داریوش رحمانیان، حسینعلی نوذری و دیگران. به کوشش حسن حضرتی و عباس برومند اعلم. تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام

<http://www.historycooperative.org/journals/ht/39.4/sklar.html>

Tosh, John, "The Pursuit of History", 2nd edition, London Group UK Limited, USA, 1991,

Epstein, James, "New directions in political history", *Journal of British Studies* 41 (2002), pp255-259.

Lawrence, Jon, "political history", in Stefan Berger, Heiko Feldner and Kevin Passmore (eds), *writing History: Theory and Practice* (London, 2003) pp180-202.

Pedersen, Susan, "What is political history now?" In David Cannadine (ed), *what is History Now?* (Basingstoke, 2002), pp36-56.

Shade, William G, is there a new political history?, in Jeffrey Pasley, Andrew Robertson and David Waldstreicher (eds.), *beyond the Founders: New Approaches to political history of the early American Republic* (Chapel Hill, 2004).

Wahaman, Dror, "The new political history: a review essay", *Social history* 21 (1996), pp343-353.

How important is the new political history? www.scribd.com/doc/503281/how-important-is-the-new-political-history

عبدالرحمن حسنی فر ۷۱

www.ehow.com/info_8461540_diffrent-kind-history.html.

<http://encycl.opentopia.com/term/historiography>

Kazin,Michael,Press.priceton.edu/chapters/p9518.pdf

Fielding,steven.‘‘Politicalhistory’’.www.history.ac.uk/makinghistory/resources/articles/political_history.html

http://en.wikipedia.org/wiki/political_history

<http://www.unizar.es/historiografias/numeros/2/2.pdf>

Robinson, James Harvey 1965. The new history: Essays illustrating the modern historical outlook, Free press

<http://encycl.opentopia.com/term/politicalhistory>

http://en.wikipedia.org/wiki/Political_history

<http://www.historytoday.com/kathleen-burk/what-political-history>

http://www.history.ac.uk/makinghistory/resources/articles/political_history.html

Lawrence Black (۲۰۰۳). 'What kind of people are you?' Labour, the people and the 'new political history'. In Interpreting the Labour Party: Approaches to Labour Politics and History. John Callaghan, Steve Fielding & Steve Ludlam Manchester: Manchester University Press. – ۲۳

<http://www.bl.uk/reshelp/atyourdesk/docsupply/help/terms/index.html>

en.wikipedia.org

www.ehow.com/info-difrent-kind-of-history.html

<http://www.cqpress.com/product/Encyclopedia-of-US-Political-History.html>

www.press.princeton.edu/chapters/p۹۵۱۸.pdf

<http://www.bl.uk/reshelp/atyourdesk/docsupply/help/terms/index.html>

پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی